



درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله محسن اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۱»

سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

در سال گذشته بحث ما در فقه نظام سیاسی به مبحث وظائف رهبری رسید و گفتیم نخستین و برترین وظیفه رهبری، اقامه عدل است در حوزه‌های مختلف آن. بحث در حوزه‌های عدل بود و اینکه اصول و کلیات عدلی که باید توسط رهبری پیاده شود چیست؟

ابتدا به حوزه عدل اقتصادی پرداختیم:

در حوزه عدل اقتصادی، رابطه عدل و برابری را بررسی کرده و بیان کردیم رابطه بین آن دو عموم و خصوص من وجه است. و بعد از آن به رابطه عدل با تفاوت استحقاق‌ها و نیازها پرداختیم و مورد بحث قرار دادیم.

بحث امروز مبحث سوم از مباحثی است که در حوزه عدل اقتصادی بیان می‌کنیم:

۳. رابطه عدل با تفاوت‌های طبیعی:

تفاوت‌های طبیعی را در چهار بخش بحث می‌کنیم (که البته تفاوت‌های طبیعی ممکن است بیشتر از این باشد اما عمده تفاوت‌ها در همین چهار قسم جا می‌گیرد):

۱. تفاوت در استعدادها

۲. تفاوت‌های جغرافیایی

۳. تفاوت‌های نژادی

۴. تفاوت جنسیتی

بعد از تفاوت‌های طبیعی، به چهارمین بحث در حوزه عدل اقتصادی خواهیم پرداخت که عبارت است از رابطه عدل یا تفاوت‌های اجتماعی است مثل: تفاوت در طبقات

اجتماعی که خیلی از جوامع امروز دچار این اختلاف طبقاتی هستند که این محصول دست انسان‌هاست.

قبل از ورود به بحث ابتدائاً باید بحث کنیم که آیا اصل «تفاوت» پدیده مثبتی است یا پدیده منفی‌ای است؟

گاهی مغالطه‌ای در مباحث تمن غربی مطرح می‌شود که تعدد آرا و عقائد را خوب می‌پندارند و می‌گویند اینکه ما در جامعه‌ای زندگی کنیم که افراد متعدد با نظرات متعدد زندگی کنند خوب است.

[اما] در منابع دینی به دو نوع تکثر و تفاوت پرداخته شده است که یکی مثبت و دیگری منفی است:

#### ۱. تکثر مثبت

تکثرهای غیرارادی که بر مبنای آفرینش خداوند به وجود می‌آیند، تکثرات مثبت هستند؛ چه در اختلافات انسانی و چه در اختلافات غیر انسانی و اینکه خداوند انسان‌ها و نباتات و گیاهان را در انواع گوناگون خلق کرده است این در آیات الهی تنوع مثبتی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾<sup>۱</sup>

مسلماً در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات [و نشانه‌هایی] است برای گروهی که پرهیزگارند [و حقایق را می‌بینند].

این اختلاف نشانه عظمت و قدرت خداست و کسانی که اهل تقوا باشند از همین آیات راه به سوی خدا می‌برند. همچنین می‌فرماید:

---

۱. سوره یونس: ۶.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ \* وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ الْأَتْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ﴾<sup>۱</sup>

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که به وسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ [از زمین] خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز [به لطف پروردگار] جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه \* و از انسان‌ها و جنبندگان و چهارپایان انواعی با رنگ‌های مختلف.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ \* وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾<sup>۲</sup>

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخّر شمایند؛ در این، نشانه‌هایی است [از عظمت خدا،] برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند \* [علاوه بر این،] مخلوقات را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده نیز مسخّر [فرمان شما] ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکّر می‌شوند.

این آیات در بیان اختلافات غیر انسانی بوده است؛ و در اختلافات انسانی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

۱. سوره فاطر: ۲۷ و ۲۸.

۲. سوره نحل: ۱۲ و ۱۳.

۳. سوره حجرات: ۱۳.

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان.

از مجموع این آیات استفاده میشود که تفاوت در آفرینش مثبت است.

در مباحث تفسیر توضیح بحث فضل متفاوت را توضیح داده‌ایم و بیان کردیم هر بخشی از جهان نسبت به بخش دیگر فضلی دارد؛ در جهان انسان هم همین است؛ چیزی این دارد که دیگری ندارد و چیزی را دیگری دارد که این ندارد که این تفاوت در فضل منشأ تعامل در جهان آفرینش می‌شود و این جهان را به یک جهان به هم پیوسته تبدیل می‌کند. این تفاوت، تفاوت غیر ارادی است و منشأ آن آفرینش الهی است و این تفاوت تفاوت مثبتی است.

## ۲. تفاوت منفی

بعد از اینکه جامعه با همه تفاوت‌های مثبت آفریده شد، اینکه از جهت اعتقاد مختلف باشد، این تفاوت تفاوت مثبتی نیست.

بله، اگر تفاوتی به رفع تفاوت بیانجامد یعنی مثلاً دو نفر با یکدیگر به بحث بنشینند و به یک وحدت نظر برسند از این نظر می‌تواند مثبت باشد، و الا خود کثرت نظر مثبت نیست. در قرآن کریم این تفاوت‌های مصنوعی که ساخت بشر است، مثبت دانسته نشده است.

درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله محسن اراکی رحمته الله ..... ۵

اینکه در تفکر غربی، تکثرگرایی و پلورالیسم چیز مثبتی دانسته شده دلیلش آن است که آنان به خدا معتقد نیستند و وجود یک حق حقیقی را قبول ندارند لذا معیاری برای تشخیص حق ندارند. اما اگر به خدا معتقد بودیم معنایش این است که ما معیاری برای تشخیص حق از باطل داریم.

شدیدترین صدمه‌ای که می‌تواند به بشر برسد از همین ناحیه است که معیاری برای حق وجود نداشته باشد و اینچنین بشری دچار سردرگمی می‌شود و بشر دچار سردرگمی قطعاً طعمه جنایتکاران و سوءاستفاده‌کنندگان قرار خواهد گرفت.

(اجزاء در عمل که در فتوای مجتهد وجود دارد غیر از حق است و مجزی بودن قول مجتهد معنایش این نیست که هم این قول حق است و هم آن قول؛ بلکه هر دو حکم خداست یعنی خداوند هر دو را در باب اطاعت مجزی دانسته و از بنده قبول می‌کند.)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ

شِيَعًا﴾<sup>۱</sup>

بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد.

فرقه فرقه شدن، در این آیه عذاب الهی دانسته شده است.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ۖ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ﴾<sup>۲</sup>

---

۱. سوره انعام: ۶۵.

۲. سوره هود: ۱۱۸ و ۱۱۹.

و اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت [بدون هیچ گونه اختلاف] قرار می‌داد؛ ولی آنها همواره مختلفند \* مگر کسی را که پروردگارت رحم کند.

آنهایی که رحمت خدا نصیبشان شود یک دست و یک دل و یک راه هستند و کسانی که به چند مسلکی دچار می‌شوند از رحمت خدا دورند.

و در مباحث تفسیری توضیح داده‌ایم که رحمتی که موجب وحدت است که رحمت انبیا و کتب الهی است و اصلاً انبیا آمدند که مردم را متحد کنند:

﴿سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾<sup>۱</sup>

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

و همچنین می‌فرماید:

﴿لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا﴾<sup>۲</sup>

از مشرکان نباشید \* از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند.

بنابراین تفرقه در مسیر زندگی و چنددسته شدن در شیوه زندگی و اعتقادات چیز مثبتی نیست و منجر به درگیری و کشت و کشتار می‌شود.

پایان

---

۱. سوره شوری: ۱۳.

۲. سوره روم: ۳۱ و ۳۲.